



# مبانی حقوقی مداخله‌ی آموزش و پرورش در پیشگیری از بزه‌دیدگی دانش‌آموزان

مرتضی تقی‌زاده زانوقی<sup>۱</sup>  
سیدمهدی احمدی موسوی<sup>۲\*</sup>  
باقر شاملو<sup>۳</sup>  
محمد امینی‌زاده<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

## چکیده

اطفال و نوجوانان بخش گسترده‌ای از عمر خود را در مدارس می‌گذرانند و از این حیث لازم است نهاد تعلیم و تربیت به لحاظ داشتن برخی امکانات و تکالیف، هم در زمان حضور دانش‌آموزان در مدرسه از آنان در قبال جرایم احتمالی صیانت نماید و هم آنان را برای مراقبت از خود در قبال جرایم خارج از مدرسه آموزش دهد. نهاد تعلیم و تربیت به موجب مقررات مختلف ملی و فراملی تکلیف به آموزش اجباری، رایگان و عمومی دارد و بخش قابل توجهی از این آموزش‌ها نیز می‌تواند در زمینه‌ی پیشگیری از بزه‌دیدگی موثر باشد. این آموزش‌ها گاهی مستقیماً و گاهی هم به صورت غیرمستقیم به پیشگیری از بزه‌دیدگی منتهی می‌شود. پس با توجه به اهمیت نقش و تاثیر این نهاد و به موجب مقررات گوناگون بایسته است نهاد تعلیم و تربیت با اهتمام جدی در گام اول آموزش اجباری، عمومی و رایگان را مدنظر داشته باشد و متعاقباً به آموزش جرف و مهارت‌ها به دانش‌آموزان در این زمینه بپردازد.

**واژگان کلیدی:** پیشگیری از بزه‌دیدگی، آموزش و پرورش، مقررات ملی و فراملی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. m.t.z.zanighi2020@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول): Mousavi.ahmadi@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. b\_shamloo@sbu.ac.ir

<sup>۴</sup> استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

## مقدمه

اشخاص حقوقی برخلاف اشخاص حقیقی لازم است برای هرگونه اقدام مجوز قانونی داشته باشند و فقط قوانین هستند که امکان هرگونه فعالیتی را به اشخاص حقوقی می‌دهند. در این مقاله به این موضوع می‌پردازیم که بین نقش آموزش و پرورش و پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان چه رابطه‌ای برقرار است و تجویز اقدامات پیشگیرانه را در اسناد مختلف ملی و فراملی مورد مطالعه قرار می‌دهیم. مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش آموزش و پرورش این است که دانش‌آموزان را به مدارس جذب کند و با توجه به اصول سه‌گانه‌ی اجباری بودن، رایگان بودن و عمومی بودن آموزش‌ها اقدام کند.

این فراخواندن اطفال و نوجوانان به مدارس که همراه با ضمانت اجرای کیفری برای ممتنعین می‌باشد از چند جهت در زمینه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان دارای اهمیت است:

اول این که دانش‌آموز در مدرسه به عنوان یک فضای امن حضور پیدا می‌کند. قطعاً حضور در مدرسه که فضایی نسبتاً مطمئن است به صیانت و محافظت از او منتهی می‌شود. اگر دانش‌آموز در مدرسه حضور نیابد (و مثلاً در کوچه و خیابان حضور داشته باشد) احتمال بزه دیدگی او افزایش می‌یابد. پس باید ببینیم آموزش و پرورش تا چه حد تکلیف به آموزش اجباری دارد و ملزم است که دانش‌آموزان را جذب مدرسه کند. طبق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، فرار از مدرسه و یا ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود. پس صرف حضور طفل یا نوجوان در مدرسه، خود گام بزرگی در جهت پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان است. اجباری بودن تحصیل که در اسناد ملی و فراملی آمده است به همین موضوع اشاره دارد.

دوم این که با جذب دانش‌آموز به مدرسه می‌توان بسیاری از مهارت‌ها را به او آموزش داد. در بستر این آموزش‌ها و مهارت‌ها، دانش‌آموز هم نحوه‌ی مواجهه با موقعیت‌های آسیب‌زا در مدرسه را می‌آموزد و هم در خارج از مدرسه این آموزش‌ها می‌تواند موثر افتد. یعنی یک خودمراقبتی که در طول زندگی می‌تواند برای فرد موثر باشد. در مقررات مختلف ملی و فراملی برای آموزش و پرورش تکالیف و ارشادهایی در جهت آموزش این مهارت‌ها تبیین شده است. پس لازم است این مباحث مورد مطالعه قرار گیرند. این آموزش‌ها گاهی مستقیماً در زمینه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی موثر واقع می‌شوند مانند این که به آنان بیاموزیم که پوشش خود را رعایت کنند و گاهی به صورت غیرمستقیم به پیشگیری از بزه دیدگی آنها منتهی می‌شود. برای

نمونه به آنان برخی مهارت‌ها را بیاموزیم و دانش‌آموز درگیر این مهارت‌ها شود به نحوی که انگیزه‌ی فرار از مدرسه (که ممکن است به بزه دیدگی او منتهی شود) کاهش یابد. مثالی دیگر این که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یکی از ساحت‌های تربیتی، ساحت زیستی است که تربیت جنسی از مصادیق آن است. چنانچه تربیت جنسی به درستی انجام شود احتمال بزه دیدگی جنسی کاهش می‌یابد. یعنی تربیت جنسی صحیح و بزه دیده شدن در این نوع از جرایم با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند و لازم است نهاد آموزش در این زمینه اقدامات جدی انجام دهد. توجه به مهارت‌های اجتماعی در برنامه ریزی درسی، نشان دادن تاثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنها، آموزش مهارت‌های زندگی نظیر دوست یابی و خودشناسی و کشف خود در محتوای آموزشی، تقویت عزت نفس و احترام به دانش‌آموز توسط معلم، آشنا کردن دانش‌آموز با حقوق خود و مواردی از این دست می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و بزه دیدگی دانش‌آموزان موثر افتند. (اکبرنژاد و میرزایی، ۱۳۹۶، ۹۱).

دانش‌آموزان با یاد گرفتن مهارت‌هایی هم چون مواجهه‌ی هوشمندانه در مقابل فضای مجازی، کنترل خشم و هیجانات و مواردی از این دست می‌توانند خود را در مقابل بزه دیدگی‌های احتمالی ایمن کنند. همان گونه که گفتیم پیش شرط آموزش چنین مهارت‌هایی که دارای تنوع و فایده‌مندی هم هستند این است که نهاد آموزش طبق اصل **حاکمیت قانون** بر رفتار شخص حقوقی، جواز چنین اقداماتی را داشته باشد.

سومین تاثیر آموزش و پرورش در پیشگیری از بزه دیدگی در تعامل این نهاد با خانواده‌های دانش‌آموزان است. می‌توان با شناسایی خانواده‌های آسیب دیده و دانش‌آموزان آسیب‌پذیر برای آنان برنامه‌های حمایتی تدوین و با ارائه‌ی جلسات آموزشی و مشاوره‌ای نسبت به کاهش احتمال بزه دیدگی دانش‌آموزان اقدام کرد. هرچند اشخاص گوناگونی در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی نقش دارند اما قطعاً حضور فعالانه‌ی خانواده در کنار نهاد آموزش می‌تواند به کاهش چشم‌گیر بزه دیدگی طفل یا نوجوان منتهی شود.

با پشتیبانی این مقررات موضوعه می‌توان با ارائه دادن آموزش و مهارت‌های مختلف به افراد از بزه دیدگی آنان پیشگیری کرد. نقش نهاد تعلیم و تربیت نیز در یاد دادن مهارت‌های زندگی و آموزش به اطفال و نوجوانان به منظور صیانت آنان در مقابل بزه‌های مختلف (یا جرایم مدرسه‌ای) بر کسی پوشیده نیست. نهاد آموزش به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادها در عرصه‌ی پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان محسوب می‌شود (احمدی موسوی، ۱۳۹۲، ۱۱۱).

پس لازم است مبانی حقوقی آن (که بعضاً الزام آور هستند) مورد مذاقه قرار بگیرند.

هرچند نهادهای دولتی و غیردولتی مختلفی در زمینه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی می‌توانند موثر باشند اما نقش آموزش و پرورش در این حوزه به مراتب دارای اهمیت بیش‌تری می‌باشد. امروزه همه‌ی صاحب‌نظران به این اتفاق نظر رسیده‌اند که اگر می‌خواهیم دنیای خود را به دنیای بهتر و صمیمی‌تر (و عاری از آسیب‌های اجتماعی) مبدل سازیم باید از مدرسه آغاز کنیم (رئوف، ۱۳۹۷، ۲۹۵). وجود آموزش و پرورش صحیح و سنجیده گامی اساسی است در تحقق اهداف پیشگیری از بزه دیدگی. حق برخورداری از آموزش و پرورش سبب شده است تا سیاست‌گذاران جنایی از آن به عنوان سازوکاری برای پیشگیری از بزه کاری و بزه دیدگی استفاده نمایند. طبیعتاً نهاد آموزش از طریق شکل‌دهی درست نظام شخصیتی افراد و یا حل معضل فرآیند رشد کودکان مشکل‌دار از احتمال قربانی شدن آنان در جرایم مختلف می‌کاهد. بر این اساس حق مذکور، که در شمار حقوق بنیادین افراد گنجانده شده است، می‌تواند به واسطه بسترسازی برای درست تربیت شدن شهروندان در پهنه‌ی پیشگیری از جرم (و بزه دیدگی) موثر افتد (نیازپور، ۱۳۹۱، ۸۸).

## ۱- مبانی فراملی پیشگیری از بزه دیدگی توسط آموزش و پرورش (مقررات بین‌المللی)

در مبانی حقوقی فراملی، ابتدا مبانی حقوقی بشری را که در سطح بین‌الملل مورد پذیرش دولت‌ها نیز قرار گرفته است، بررسی می‌کنیم. حقوق بشر<sup>۱</sup> عبارت است از حقوقی که لازمه‌ی طبیعت و ذات انسان است. حقوقی که پیش از پیدایش دولت‌ها وجود داشته و مافوق آن است و بدین جهت دولت‌ها باید آن را محترم بشمرند (صفایی، ۱۳۷۰، ۱). این حقوق در طول تاریخ دستخوش سیاست‌های دولت‌های گوناگون بود و در زمینه‌ی به رسمیت شناختن این حقوق بنیادین از طرف دولت هیچگونه اقدام مثبت و مناسبی انجام نمی‌شد. انواع شکنجه‌ها، نابرابری‌های آموزشی، محرومیت از مالکیت و آموزش و مواردی از این دست کم و بیش در عرصه‌ی این گیتی پهناور به چشم می‌خورد. آموزش دیدن و پرورش یافتن در قدیم الایام مختص اقلیت مرفه جامعه بود و مردم ضعیف جامعه معمولاً رغبتی به این امر نشان نمی‌دادند و یا بستر تعلیم و تربیت اطفال و نوجوانان توسط دولت‌ها فراهم نمی‌شد. بنابراین بدهی بود که عدم بهره بردن از آموزش می‌توانست منجر به بروز آثار سوء برای قشر ضعیف جامعه شود.

<sup>۱</sup> Human Rights

با پیشرفت‌های مختلف بشر بالاخص در زمینه‌های نظامی این سلطه‌گری‌ها و تعدی‌ها بیشتر شد. وقوع دو فاجعه‌ی جنگ‌های جهانی اول و دوم ۱۹۱۴ و ۱۹۳۹ که از مختصات رژیم‌های سرمایه‌داری امپریالیستی است، ضربات دردناکی بر پیکره‌ی بشریت وارد آورد. فقر و بدبختی و دیگر آثار ناشی از جنگ انتباه عمیقی را در توده‌های مردمان سراسر جهان برای ایجاد یک محیط مسالمت آمیز و سرشار از صلح باعث شده بود (اردلان، ۱۳۳۲، ۷۶). از همین رو تنظیم برخی اسناد فراملی مانند اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اشتیاق دولت‌ها را برای ایجاد دنیای بهتر و زندگی سراسر آرامش بخش نشان می‌دهد. صدور اعلامیه‌ی ۱۹۴۸ بعد از پایان یافتن جنگ جهانی دوم که دنیا را مبهوت وحشی‌گری‌ها و ستم‌های ددمشانه‌ی ناروای دنیا کرده بود، نقطه‌ی عطفی بود در آنچه که مردمان خسته‌ی از این آشوب‌ها و نابرابری‌ها در طول تاریخ طلب می‌کردند. به رسمیت شناختن تک انسان‌ها فارغ از هرگونه ملیت، نژاد و مذهب و برقرار کردن و نظارت بر حقوق بنیادین انسان‌ها آن هم به صورت سندی معتبر بین دولت‌ها به مثابه‌ی فرشته‌ی نجاتی بود که افراد بشر را از چنگال سیاه جهان ماقبل قرن ۲۱ رها می‌ساخت. در این اسناد مانند اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر حق‌های متنوع و متفاوتی را برای افراد بشر متصور ساخته اند. یکی از این حقوق فراهم کردن شرایط برابر در آموزش و پرورش است. حق برخورداری از آموزش و پرورش از جلوه‌های بنیادین حقوق بشر به شمار می‌آید. (نیازپور، ۱۳۹۱، ۸۷) در آغاز قرن ۲۱، به تعلیم و تربیت بیش از گذشته توجه شده است تا جوامع بشری بتوانند با ایجاد تحول و افزایش کارایی‌ها و کفایت در این زیرمجموعه‌ی نظام‌های اجتماعی، با چالش‌های موجود به گونه‌ای سازنده رو به رو شوند و برای عبور از آنها بستری مناسب‌تر، کارسازتر و موجه‌تر در اختیار داشته باشد. (رئوف، ۱۳۹۷، ۷)

### ۱-۱- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup>

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر دارای یک مقدمه و ۳۰ ماده است. در این اعلامیه حقوق و آزادی‌های تک تک افراد بشریت برای اولین بار به صورت مدون آمده است و مورد تاکید قرار گرفته است. این اعلامیه فرصتی را فراهم آورده است که ابناء بشر حقوق بنیادین از دست رفته‌ی خود را که در قلاذه اسارت و بندگی قرار داشته است از بند برهانند و در مسیر محق خود قدم بردارند. از جمله‌ی این حقوق مهم و بنیادین حق آزادی بیان، حفظ کرامت انسانی، محترم بودن

<sup>۱</sup> The Universal Declaration of Human Rights

عقیده و مذهب و بهره مند شدن از تحصیلات و دانش عمومی است. در ماده‌ی 26 این اعلامیه چنین آمده است:

«۱- هرکس حق تحصیل دارد. تحصیل لااقل در مراحل ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. تحصیلات ابتدایی باید اجباری باشد.

آموزش‌های فنی و حرف‌های باید در دسترس عموم قرار گیرد و آموزش عالی باید برای همه و براساس شایستگی در دسترس باشد.

۲- آموزش باید در جهت رشد کامل شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش باید حسن تفاهم، مدارا و مودت میان تمامی ملل، گروه‌های نژادی و مذهبی را ارتقا داده و فعالیت‌های سازمان ملل متحد در جهت پاسداری از صلح را تسریع بخشد.

۳- والدین در گزینش نوع آموزش فرزندانشان حق تقدم دارند.»

در صدر ماده ویژگی‌های یکی از حقوق بنیادین افراد یعنی حق برخورداری از آموزش و پرورش آمده است که عبارتند از: اجباری بودن، عمومی بودن و رایگان بودن. این ویژگی‌ها نشان از اهمیت دادن متن اعلامیه به امر خطیر آموزش است. در ذیل ماده نیز برای نوع آموزش اهدافی برشمرده است که علاوه بر داشتن جلوه‌های حمایتی و حقوق بشری در پشت هریک از آنها یک دنیا کار نهفته است. برای مثال به رشد و تعالی رساندن شخصیت افراد از اهداف بنیادین آموزش‌های رشد‌مدار نیز می‌باشد. هرگاه دولت‌ها در زمینه‌ی توجه به شخصیت افراد و به کمال رساندن آن احساس مسئولیت کنند و سیاست‌های گوناگون خود را در این راستا تنقیح و تصویب سازند، می‌تواند در زمینه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان چه در دوران مدرسه و چه بعد از آن و کاهش نرخ جرایم پیشرفت‌های محسوسی داشته باشد. در جوامعی که شخصیت افراد توسط سایرین و بالاخص بوسیله‌ی مقامات حکومتی نادیده گرفته شود و ابزارهای ترقی و تعالی برای افراد جامعه مهیا نباشد، دور از ذهن نیست که افراد جامعه هر آن طور که خود صلاح بدانند و از عهده‌ی آن بر آیند به دنبال رفع این نقیصه برخوانند آمد. هرکس بنا به سلیقه‌ی خود به آموزش فرزندش می‌پردازد و همین خودمختاری ممکن است مشکلاتی را هم برای دانش‌آموزان و هم برای جامعه ایجاد کند. آموزش‌های در حوزه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی در مدارس باید توسط متولیان مدارس انجام شود. زیرا آنان نگاهی جامع و فراگیر به تمامی دانش‌آموزان دارند و این نوع نگاه در والدین موجود نیست.

اگر دولت‌ها در زمینه‌ی آموزش و پرورش افراد جامعه بالاخص برای اطفال و نوجوانان اقدامی را انجام ندهند و افراد جامعه به تعلیم و تربیت فرزندان خود بپردازند، ممکن است هر کسی محتوایی را که خود می‌پسندد به فرزندش آموزش دهد و تکرر در نوع آموزش مانع ایجاد یک رویه‌ی واحد در امر آموزش می‌شود که خود می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند. برای مثال ممکن است والدین یک دانش‌آموز برای پیشگیری از بزه دیده شدن دانش‌آموز، وی را ترغیب به حمل سلاح سرد کنند که قطعاً این نوع رویکرد به هیچ وجه در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی نمی‌تواند موثر افتد. از سویی به رسمیت شناختن حق بر آموزش و پرورش به تنهایی کافی نیست. تهیه‌ی وسایل و فراهم کردن مقدمات نیز که از ملزومات آموزش است باید توسط دولت‌ها انجام شود. برای مثال آموزش‌های مرتبط با پیشگیری از بزه دیدگی باید طبق اصول ذکرشده در ماده فوق‌الذکر فراگیر شود و در سطح وسیعی در اختیار افراد جامعه قرار بگیرد. در مواردی این نوع آموزش‌ها نیازمند مولفه‌های گوناگونی از جمله تهیه‌ی وسایل و امکانات می‌باشد. قاعدتاً عدم توجه دولت‌ها در این زمینه امر آموزش را با چالش جدی روبرو می‌کند. از جمله نکات دیگری که می‌توان از این ماده استنباط کرد این است که در ماده‌ی 2 اعلامیه چنین آمده است:

«هرکس بدون هیچگونه تمایزی از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، باور سیاسی یا هر باور دیگری، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی و ولادت یا هر موقعیت دیگری از حقوق و آزادی‌هایی که در این اعلامیه برشمرده شده‌است برخوردار است.»

تلفیق مواد ۲ و ۲۶ چنین نتیجه‌ای به ما می‌دهد که اوصاف برشمرده برای آموزش (اجباری بودن، عمومی بودن و رایگان بودن) باید شامل حال تمامی افراد ساکن بر روی این کره خاکی بشود. با این تفسیر، مواردی از جمله محروم نمودن اتباع بیگانه در یک کشور محمل قانونی و حقوق بشری ندارد. اینکه ما بعضاً در کشورهایی شاهد این موضوع هستیم که مهاجران را به علل گوناگون نسبت به برنامه‌های آموزشی محروم یا محدود می‌کنند با آنچه که در این اعلامیه آمده است همخوانی ندارد. اهمیت این نکته زمانی مشخص می‌شود که بدانیم پدیده‌ی مهاجرت از عوامل بسیار مهمی است که در ارتکاب جرایم و افزایش نرخ آن (و متعاقب آن بزه دیدگی‌ها) تأثیر بسزایی دارد. کشورهایی که دارای جاذبه‌های مهاجرپذیری هستند لاجرم باید این موضوع را در سیاست‌های خود مدنظر داشته باشند. وجود مهاجران در یک کشور باعث به وجود آمدن پدیده‌ی تکرر فرهنگی می‌شود و مدیریت این تکرر فرهنگی بر عهده‌ی دولت مقصد می‌باشد. عدم اجرای یک سیاست سازنده و یا اجرای یک سیاست به صورت غلط می‌تواند نتایج جبران

ناپذیری را به ارمغان آورد. در این باره می‌توان به شهر شیکاگو اشاره کرد که طی یک دوره‌ی نود ساله از ۱۸۴۰ تا ۱۹۳۰ میلادی شاهد موج گسترده‌ی مهاجران از کشورهای مختلف بود. این تکثر فرهنگی باعث اختلافات قومی می‌شد و از جمله‌ی آن می‌توان به طغیان و شورش‌هایی که در سال ۱۹۱۹ روی داد و منجر به قتل ۴۰ نفر شد اشاره کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ۴۵). قاعدتا برجسته نمودن نقش نهاد آموزش در زمینه‌ی استحاله‌ی فرهنگی مهاجران در کشور مهاجرپذیر می‌تواند به عنوان عاملی اساسی در پیشگیری از بزه دیدگی هریک از افراد کشور مقصد و مدیریت رفتار این مهمانان بعضا ناخوانده باشد. همان طور که ملاحظه می‌شود آن گونه که اعلامیه از دولتمردان انتظار دارد تا آموزش برای همگان رایگان و قابل دسترسی باشد، خود زمینه‌ای می‌شود برای رشد و تعالی شخصیت ابناء بشر و گامی موثر خواهد بود برای پیشگیری از انواع جرایم و آسیب‌های اجتماعی. در کشور ایران نیز دانش‌آموزانی از کشورهای همسایه (عراق، افغانستان و پاکستان) وجود دارند. این دانش‌آموزان نیز باید آموزش‌های لازم را ببینند تا قربانی بزه نشوند. به عبارتی در سند یادشده و یا سایر اسناد بین‌المللی ضمن به رسمیت شناختن نقش دولت‌ها در آموزش و پرورش به این امر اذعان شده است که باید برای پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان نیز اقدام شود.

## ۲-۱- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اسلامی

اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی گونه‌ای رسمی و کلی است که در برابر اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تدوین شده است. این اعلامیه در ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۹ در اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی تدوین و تصویب شد. این اعلامیه به عنوان سندی رسمی درباره حقوق بشر اسلامی منتشر شد (اسلامی، ۱۳۸۲، ۱۱).

در مقابل اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در کشورهای اسلامی علی‌رغم وجود موافقان زیاد، مخالفانی نیز قد علم کردند. عده‌ای که با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر موافق بودند آن را به هیچ وجه متناقض با مبانی دین اسلام نمی‌دانستند و مفاد اعلامیه و شریعت اسلامی را با هم قابل جمع می‌دانستند. اما مخالفان نظر دیگری داشتند. از نظر برخی افراد و دولت‌ها، اساساً نهضت حقوق بشر و به تبع آن همه‌ی سازمان‌های حقوق بشری، ابزاری در دست سلطه‌گران خارجی و وسیله‌ای برای نابودی اسلام و مسلمین است.

از این منظر مسأله‌ی حقوق بشر، نه مسأله‌ای نظری و فکری است که باید به آن پاسخ داده شود بلکه معضلی است عملی و برآیند توطئه‌ای حساب شده.



این نزاع (یا نظرات مخالفان اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر) خدشه‌ای به بحث ما وارد نمی‌آورد. چون ما آموزش و اثر تبعی و اقتضایی آن یعنی پیشگیری از بزه دیدگی را بررسی می‌کنیم که تکلیفی انکارناشدنی برای دولت هاست. به عبارتی مخالفان اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به مواردی خرده می‌گیرند که در آن بحث برابری زن و مرد در حقوق و تکالیف مطرح می‌شود، که عمده‌ی این موضوعات در قالب ارث، شهادت، دیه و قصاص هر یک از دو جنس زن و مرد و تفاوت‌های آنها می‌باشد. حال آنکه نقش آموزش و آموزش در پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان و ارائه‌ی آموزش در این زمینه، در مورد جنسیت افراد تفاوتی نمی‌کند و در دین اسلام بر زن و مرد سفارش شده است که علم را بیاموزند<sup>۱</sup> و در این زمینه هیچ گونه تبعیضی وجود ندارد. در اینجا حکم هم به زن تسری دارد و هم به مرد. پس اچنانا مخالفان اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که در مقابل آن دست به تدوین اعلامیه‌ی حقوق بشراسلامی زده اند نباید با موادی که در آن نقش آموزش و پرورش در تربیت اطفال و نوجوانان مطرح شده است مخالف باشند. متن اعلامیه حقوق بشر اسلامی یک مقدمه و 25 ماده دارد. در ماده 9 آن چنین آمده است:

«الف- طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب. بر جامعه و دولت واجب است که راه‌ها و وسائل آن را تامین نموده و متنوع بودن آن را به گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تامین نمایند و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار برد.

ب- حق هر انسان است که موسسات تربیتی و توجیهی مختلف مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه، دستگاه‌های تبلیغاتی و... که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می‌نمایند، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند به گونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و تکالیف و حمایت از آن فراهم شود.»

در اینجا هم جامعه و دولت مکلف شدند که بستر مناسب برای آموزش افراد جامعه را فراهم کنند تا آنان معرفت واقعی نسبت به دین اسلام پیدا کنند. پرواضح است که دین خود به عنوان عامل اساسی در پیشگیری از بزه دیدگی قلمداد می‌گردد. برای مثال در قرآن، نماز به عنوان عامل بازدارنده از زشتی‌ها و پلیدی‌ها معرفی شده است. (ان الصلوه تنهی عن الفحشا والمنکر). (محمدی فرود، ۱۳۷۶، ۵)

<sup>۱</sup> طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة

در اینجا اگر آموزش و بالخصوص آموزش مبانی اسلامی به افراد جامعه به طور جدی مطرح نظر دولت‌های اسلامی باشد، می‌تواند به عنوان یک ناجی برای نجات دولت‌های اسلامی از پدیده‌ی بزه دیدگی دانش‌آموزان باشد. در سند تحول بنیادین نیز به کرات معیار اسلامی بودن برنامه‌های آموزشی و تربیتی مطرح شده است که در جای خود اجمالا بررسی می‌شود.

### ۳-۱- منشور ملل متحد

قبل از بررسی جایگاه نهاد آموزش در منشور ملل متحد باید به این سوال پاسخ داد که آیا منشور ملل متحد دارای جنبه‌ی حقوق بشری است یا در قوانین و مقررات کلی و مرتبط جنگ و صلح و مسائل پیرامون آن مطرح شده است؟

باید در پاسخ گفت سازمان ملل متحد اهداف گوناگونی را دارد. یکی از آن اهداف عبارت است از دستیابی به همکاری‌های بین‌المللی در حل مسائل جهانی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بشردوستانه می‌باشد (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱، ۶۵۳). پس این منشور دارای رویکرد حقوق بشری نیز می‌باشد. در بخش‌های گوناگون این سند، به همکاری دولت‌ها در زمینه‌های مختلف از جمله مباحث آموزشی و اجتماعی تاکید شده است. برای مثال در ماده ۱۳ آمده است:

«الف- مجمع عمومی نسبت به امور زیر موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند:

ب- ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب.»

قاعدتا این مهم در قالب مطالعات تطبیقی فراهم می‌شود. کشورها تجربیات خود را در مورد آموزش‌هایی که پیشگیری از بزه دیدگی را به دنبال دارد به یکدیگر منتقل می‌کنند و انتقال این گونه تجربیات کاهش قابل توجهی در وقت و هزینه‌ی کشورهای کم تجربه خواهد داشت. اهمیت نقش دولت‌ها در آموزش دادن تک افراد ملت در بند ب ماده ۵۵، بند ۱ ماده ۵۷، بند ۱ ماده ۶۲، بند ۱ ماده ۷۳ منشور نیز آمده است که بررسی آنها از حوصله و وظیفه این پژوهش خارج است.

## ۴-۱- میثاقین

در ادامه‌ی مباحث مبانی حقوق بشری و فراملی مداخله‌ی نهاد آموزش در عرصه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بررسی می‌کنیم. در این دو میثاق نیز جلوه‌هایی از الزام دولت‌ها به تامین زمینه‌ی آموزش شهروندان مدون گردیده است و همان طور که گفتیم اگر این آموزش‌ها به نحو مطلوب مطرح نظر قرار بگیرند قاعدتا افراد را به سوی رشد و تعالی هدایت نموده و آنان را در برابر خطر بزه دیدگی واکسینه می‌کنند.

### ۱-۴-۱- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده است که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. طبق بند ۱ ماده ۴۹ میثاق ۳ ماه پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم الاجرا می‌شود. کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که به دولت‌های متعهد این میثاق ملحق شده است. از جمله موادی که در آن تکلیف دولت‌ها به آموزش بیان گردیده است، بند ۴ ماده ۸ است که طی این بند دولت‌ها مکلفند آزادی والدین و سرپرستان قانونی کودکان در تامین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق اعتقادات خودشان محترم شمارند. همچنین طبق بند ۱ ماده ۲۴ دولت‌ها باید تدابیر حمایتی را نسبت به کودکان بدون هیچ گونه تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اهل و منشا ملی یا اجتماعی فراهم آورند. از جمله تدابیر حمایتی می‌توان به خصیصه‌ی بارز آن یعنی آموزش و پرورش اشاره کرد.

### ۲-۴-۱- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این میثاق نیز مصوب سال ۱۹۶۶ از سوی سازمان ملل متحد می‌باشد. کشور ایران این میثاق را در سال ۱۳۵۱ در مجلس شورای ملی تصویب و سپس در سال ۱۳۵۴ بدون هیچ گونه حق شرط و تحفظی از تصویب مجلس گذراند. طبق بند ۱ ماده ۱۳ این میثاق کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را در مورد آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر اینکه کشورهای طرف میثاق موافقت دارند آموزش و پرورش باید کلیه‌ی افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازند و موجبات

تعامل و تساهل و دوستی بین کلیه‌ی ملل و کلیه‌ی گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه‌ی فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید. بر اساس بند ۲ این ماده کشورهای طرف میثاق به منظور استیفای این حق باید آموزش و پرورش ابتدایی را اجباری نموده و رایگان در دسترس عموم قرار دهند. همچنین باید آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی و به ویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار دهند.

### ۵-۱- اعلامیه‌ی جهانی آموزش و پرورش برای همه

این اعلامیه حاصل کنفرانس جهانی آموزش و پرورش برای همه ۱ می‌باشد، که در سال ۱۹۹۰ در تایلند برگزار شده است. این اعلامیه در یک مقدمه و ۱۰ ماده با عنوان‌های تامین نیازهای یادگیری پایه، شکل دادن به دیدگاه‌های جدید، همگانی کردن دسترسی به آموزش و پرورش و افزایش برابری‌ها، تمرکز بر یادگیری پایه، گسترش مفهوم و دامنه‌ی آموزش، پربار کردن محیط برای آموزش، تقویت مشارکت‌ها، گسترش تدابیر و پشتیبانی و تجهیز منابع و تحکیم هم بستگی‌های بین‌المللی تدوین شده است. در این اعلامیه به این موضوع اشاره شده است که یادگیری از بدو تولد است و بنابراین در اینجا در کنار موسسات آموزش دهنده به خانواده‌ها و نقش آنها نیز اشاره کرده است. بر اساس ماده ۱ این اعلامیه هر فردی از افراد جامعه، اعم از کودک، جوان و بزرگسال باید بتواند از فرصت‌های آموزشی که برای تامین نیازهای یادگیری پایه او در نظر گرفته شده است، به نحوی شایسته بهره مند گردد. این نیازها شامل دو بخش اساسی ابزار یادگیری (نظیر سواد، قدرت تکلم، محاسبه و حل مسئله) و محتوای یادگیری (نظیر دانش، مهارت، ارزش و طریقه‌ی تفکر) است که از ملزومات بشری به شمار می‌روند تا او بتواند به حیات خود ادامه بدهد و استعدادهای خود را شکوفا سازد و همچنین در مقام و شأن انسانی خود کار کند و در توسعه‌ی ملی مشارکت نماید. وضع زندگی خود را بهبود بخشد و در هر موقعیتی تصمیمی مطلوب اتخاذ نماید و به تداوم یادگیری خود همت گمارد. بدیهی است مهارت‌های یادشده در صورتی که جدی گرفته شوند به خودمراقبتی و کاهش یزه دیدگی منتهی خواهند شد.

همچنین بر اساس ماده ۷ اعلامیه، تامین آموزش و پرورش با توجه به گستردگی و چندبعدی بودن آن مستلزم مشارکت و همکاری همه‌ی واحدهای آموزشی، کارگزاران اداری، موسسه‌های دولتی و غیردولتی، تشکیلات محلی و گروه‌های مذهبی می‌باشد. در این اعلامیه صراحتاً به

اهمیت سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی آموزش و پرورش اشاره شده است. بندهای دوم و سوم ماده ۹ نکات قابل تاملی را اشعار می‌دارد:

«انرژی و سرمایه‌ای که به تعمیم آموزش و پرورش اختصاص داده می‌شود سودآورترین سرمایه‌گذاری است که نتایج آن در آینده‌ی عاید کشور و مردم می‌شود. ضرورت تامین نیازهای یادگیری پایه ممکن است الزاما جابجایی‌هایی را در بودجه به همراه داشته باشد. به عنوان مثال می‌توان انتقال بخشی از هزینه‌های نظامی به آموزش و پرورش نام برد.»

این موضع را باضرس قاطع می‌توان بیان کرد چنین چیزی هنوز مورد تردید بعضی دولتمردان قرار دارد که از بستر آن، توجه ویژه‌ای به سرمایه‌گذاری در امر آموزش داشته باشند. در مواردی آموزش به دانش‌آموزان در مورد پیشگیری از بزه دیدگی نیاز به تامین اعتباراتی دارد که درای بند به درستی به اهم و مهم تلقی نمودن موضوعات توجه شده است. در این اعلامیه برای کشورهایی که فقیر و عقب مانده هستند نیز حقی ایجاد گردیده است که این کشورها باید در فعالیتهای بین‌المللی در زمینه‌ی آموزش و پرورش از اولویت خاصی برخوردار باشند.

## ۶-۱- کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک که مصوب ۱۹۸۹ می‌باشد و به طور ویژه‌ای حقوق کودکان را در نظر گرفته است نیز در زمینه اهمیت دادن به آموزش کودکان سندی غنی محسوب می‌شود. طبق این اعلامیه افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند که این سن تقریباً برابر با سن پایان تحصیلات در مدارس (در ایران) می‌باشد. طبق ماده ۲۸ این کنوانسیون کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و براساس ایجاد فرصتهای مساوی، اقداماتی از جمله اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدائی برای همگان، تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه منجمله آموزش حرفه‌ای و کلی، در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای و اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها برای تمام کودکان معمول خواهند داشت. کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین این که نظم و انضباط در مدارس مطابق با حفظ شئون انسانی کودکان بوده و مطابق با کنوانسیون حاضر باشد، به عمل خواهند آورد. همچنین کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند که در موضوعات مربوط به آموزش و پرورش، خصوصاً در زمینه زدودن جهل و بیسوادی

در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و روش‌های مدرن آموزشی، همکاری‌های بین‌المللی را افزایش دهند. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد شد.

از جمله تاسیساتی که در این کنوانسیون آمده است ماده ۲۹ کنوانسیون می‌باشد. در این کنوانسیون برای مفاد و محتوای آموزش و پرورش معیارهایی به شرح ذیل در نظر گرفته شده است:

- ۱- پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانائی‌های ذهنی و جسمی کودکان.
- ۲- توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل.
- ۳- توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، و به موطن اصلی کودک و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی.
- ۴- آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌های آزاد و با روحیه‌ای مملو از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر.
- ۵- توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی.

به راستی اگر آن گونه که در اسناد بین‌المللی آمده است تعلیم و تربیت در مورد تک تک افراد بشر جدی گرفته شود می‌توان به تدریج در زندان‌ها را بست و آنها را به موزه‌ای برای تاریخ حقوق کیفری مبدل ساخت. هرچند در برخی موارد نگاهی آرمانی به آموزش و پرورش وجود دارد اما باید پذیرفت اگر این برنامه‌ها تا حد توان و ظرفیت دولت‌ها اجرایی شوند بسیاری از معضلاتی که جوامع گوناگون بالاخص کشورهای در حال توسعه مبتلای آن هستند مرتفع خواهد شد. در رابطه با اهمیت نقش آموزش و پرورش در آموزش و پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان و تبلور آن در اسناد بین‌المللی موارد دیگری نیز وجود دارد. اجلاس‌های متعدد و مفصلی با حضور متخصصین برگزار شده است که بررسی همه‌ی آنها کاری بس دشوار می‌نماید. همه‌ی این‌ها حکایت از آن دارد که بحث آموزش و لزوم همکاری دولت‌ها در این زمینه در سطح وسیعی مورد درخواست دول و ملل است.

رشد انواع بزه دیدگی‌ها، حاکی از این امر بدیهی است که عدم وجود آموزش در یک جامعه یا متوازن نبودن توزیع آن و عدم پیگیری پوشش صددرصدی آموزش، مشکلات و هزینه‌های زیادی را نه تنها برای آن جامعه بلکه در سطح جهانی به وجود می‌آورد. در اسنادی که بررسی

کردیم، اجباری بودن، عمومی بودن و رایگان بودن برنامه‌های آموزشی بالاخص در دوره ابتدایی به شدت مطمح نظر است و دولت‌ها به این امر واقف شده اند که هزینه کردن در امر آموزش، موجبات پیشگیری از انواع آسیب‌های اجتماعی و بزه دیدگی‌ها را در مورد اطفال و نوجوانان فراهم می‌کند. مسلماً اگر صرف تدوین این اسناد و برگزاری اجلاس‌ها حالتی تشریفاتی و شعارمحوری داشته باشد، باید خیلی زود زنگ خطر بحران افزایش بزه دیدگی دانش‌آموزان را در سطح بین‌الملل به صدا در آوریم. این کثرت مقررات در حوزه بین‌المللی نشان از درک نقش موثر نهاد آموزش و پرورش است. پس لازم است در سیاست جنایی افتراقی پیشگیرانه در سطح ملی و حتی فراملی به این نهاد نقشی اساسی داده شود و سایر نهادها در این زمینه نقش حمایتی و مساعدتی داشته باشند.

## ۲- مبانی ملی حقوقی مداخله‌ی آموزش و پرورش در پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان

بعد از بررسی نقش و جایگاه نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان طبق مبانی فراملی، در این مبحث مقررات داخلی این حوزه را بررسی می‌کنیم. باید دید که در سطح ملی تا چه مقدار به این موضوع بها داده شده است. گزاف نیست اگر بگوییم زمانی اسناد بین‌المللی کارایی و اثربخشی دارند که مفاد آنها در مقررات داخلی کشورها تبلور یافته باشد. در این بخش در سه سطح مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی به بررسی قوانین می‌پردازیم.

### ۲-۱- مقررات فراتقنینی

در باب مقررات فراتقنینی (منظور مقرراتی است که از مصوبات قوه مقننه بالاتر هستند) نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

#### ۱- قانون اساسی

قانون اساسی به عنوان قانون مادر و ارجح بر سایر قوانین است از همین رو وصف فراتقنینی را به دنبال خود یدک می‌کشد. اگرچه قوانین عادی را مجلس یا قانون‌گذار پارلمانی تصویب می‌نماید و خود او تغییر می‌دهد، اما قوانین اساسی به دلیل اهمیت توسط نهادی فوق العاده تصویب می‌شوند و خود آن نهاد نیز، بازنگری قانون اساسی را انجام می‌دهد. در غالب حکومت‌های آزاد، به خاطر نگهداری اساس حکومت و جلوگیری از تجاوز دولت‌ها به پیمانی که رابط بین آنها و ملت است، برای قوانین اساسی اهمیت ویژه‌ای قائل هستند و آنها را از سایر

قوانین متمایز ساخته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۲۲). در قانون اساسی ایران نیز در مواردی چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌توان عباراتی را در باب اهمیت آموزش و نقش تبعی‌آن یعنی پیشگیری از بزه دیدگی یافت. در مقدمه‌ی قانون اساسی پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری حیاتی شناخته شده است (خلفی، ۱۳۸۸، ۱۳) و در بند ۵ از اصل ۱۵۶ وظایف قوه قضاییه در پیشگیری از جرم آمده است و روی دیگر سکه‌ی پیشگیری از جرم، پیشگیری از بزه دیدگی است. یعنی ضرورت پیشگیری از بزه دیده شدن افراد از برخی اصول قانون اساسی فهمیده می‌شود. در اینجا رویکرد مدیریتی قوه قضاییه مدنظر است. یعنی قوه قضاییه هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف در زمینه‌ی پیشگیری از جرم برقرار می‌کند نه این که در زمینه‌ی پیشگیری از جرایم نقش انحصاری داشته باشد. یعنی قوه قضاییه می‌تواند یاری‌گر نهاد آموزش و پرورش و هادی او در این زمینه باشد. همچنین بر اساس اصل هشتم قانون اساسی دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی. فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر اگر درست و به جا انجام گیرد تاثیری مستقیم در پیشگیری از بزه دیدگی خواهد داشت.

در اهداف کلی آموزش و پرورش ج.ا.ا نیز پرورش روحیه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای همگانی در بخش اهداف اجتماعی ذکر شده است. امر به معروف به معنای ارشاد به دستورات شرع، عقل، عرف و مروت می‌باشد. در رابطه با معنای نهی از منکر باید گفت منکر به معنای کار زشت، ناپسند، نامشروع و بد است و در اینجا منظور از منکر هر کار زشتی است که شرع و عقل به بدی آن حکم کنند (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ۱۲۳). در فقه نیز آن را چنین تعریف کرده اند که عملی است که مجتهدان به حرام بودن آن اجماع کرده باشند (حسینی، ۱۳۹۱، ۵۱۵). از آنجا که قوانین ما بر پایه‌ی اصل ۴ قانون اساسی باید بر اساس موازین اسلامی باشد و در لسان فقها نیز بین منکر و جرم رابطه تساوی برقرار است، می‌توان با کمی تسامح به این نتیجه رسید که واژگان منکر و جرم مترادف یکدیگر هستند و یا جرم از مصادیق منکر می‌تواند باشد. چنانکه در کنفرانس حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم، جرم چنین تعریف شده است: مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی جامعه بینجامد (نوربها، ۱۳۹۴، ۱۳۶).

بنابراین امر یا نهی را می‌توان از مصادیق اقدامات موثر در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی قلمداد کرد و به اهمیت آن پی برد. اهمیت امر و نهی زمانی مشخص می‌شود که بدانیم موجودات زمینی به طور طبیعی به جهت تراحم و محدودیت امکانات چه بسا با یکدیگر درگیر شوند و فساد و خون‌ریزی به پا کنند (مستشاری، ۱۳۸۹، ۳۶). پس لازم است طبق اصل هشتم



قانون اساسی، همگان وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را احساس و نسبت به اجرای آن اقدام نمایند. در چنین عالمی که هر انسانی این قابلیت را دارد که هر جرمی را مرتکب شود ارشاد و راهنمایی افراد می‌تواند سهمی بسزا در زمینه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی‌ها داشته باشد. در اهداف دوره‌ی آموزش متوسطه نیز چنین آمده است که یک دانش‌آموز در سطح متوسطه باید آموزش و مهارت‌های لازم را داشته باشد تا بتواند دیگران را از انجام کارهای نادرست نهی کند. همچنین آموزش‌ها باید به گونه‌ای ترسیم شده باشند که نقدپذیری را در دانش‌آموز تقویت کند، به طوری که دانش‌آموز نقد توأم با حسن نیت را با اهمیت و زمینه‌ی پیشرفت بداند. بدیهی است که در صورتی که متولیان آموزش و پرورش به این اصل هشتم قانون اساسی توجه و اهتمام ویژه‌ای داشته باشند تا حد بسیار زیادی می‌توانند از بزه دیدگی احتمالی دانش‌آموزان جلوگیری نمایند. دانش‌آموزی که در اول راه به خطا رفته است و در معرض بزه دیدگی می‌باشد از طریق همین فریضه‌ی پرمتحوا و اثربخش می‌تواند صواب را از ناصواب تشخیص داده و در مسیر رشد و تعالی خود قدم بردارد. برای مثال تغییر سبک زندگی آسیب‌پذیر از طریق همین دو فریضه ممکن است و دستگاه آموزش و پرورش می‌تواند در این زمینه از این دو ابزار نهایت استفاده را ببرد. محتوای کتب درسی نیز می‌توانند چنین نقشی ایفا کنند. آموزش سبک زندگی عاری از خطر از طریق متون کتب درسی ممکن است و می‌توان در زمینه‌ی موثر کردن مفاد کتب درسی از این فرامین قانون اساسی بهره برد.

در قانون اساسی در مواد دیگری نیز به اهمیت آموزش توجه شده است. در اصل سوم دولت مکلف شده است برای نیل به اهدافی که در اصل دوم ذکر شده است اقداماتی از جمله آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه و در تمام سطوح به کار گیرد. همچنین بر اساس اصل سی ام، دولت موظف است که وسایل آموزش و پرورش رایگان را تا پایان تحصیلات متوسطه مهیا نماید (حجتی اشرفی، ۱۳۸۱، ۱۷) نهایتاً اینکه طبق اصل صدم قانون اساسی برای پیش برد سریع برنامه‌های گوناگون از جمله برنامه‌های آموزشی در هر روستا، ده، بخش، شهر و شهرستان شوراهایی که اعضای آن توسط مردم انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. مبرهن است که این شوراها می‌توانند با توجه به امکانات و ظرفیت‌های بالای خود نهاد تعلیم و تربیت را در رسیدن به اهداف خود (از جمله اهداف پیشگیرانه در حوزه بزه دیدگی) یاری نمایند. همان گونه که می‌بینیم در قانون اساسی نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم به نقش آموزش و پرورش و جایگاه آن در تعلیم و تربیت اشاره شده است. پس لازم است نهاد آموزش و پرورش در این زمینه

با جدیت اقدام کند و در زمینه‌ی تکالیف خود موضوع بزه دیدگی دانش‌آموزان را نیز مورد نظر قرار دهد. چرا که بزه دیده شدن دانش‌آموزان کاملاً با اهداف تبیین شده منافات دارد.

## ۲- سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم انداز ۱۳۸۲

سیاست‌های کلی نظام نیز در کنار قانون اساسی از جمله مقررات فراقنینی تلقی می‌شود (نیازپور، ۱۳۹۳، ۱۳). نهاد سیاست‌های کلی نظام نهادی نوپا و بدیع در حقوق اساسی محسوب می‌شود و ضرورت وجود آن پس از اجرای قانون اساسی سال ۱۳۵۸ احساس شده بود. مقام معظم رهبری به عنوان مرجع تعیین سیاست‌های کلی نظام در ابلاغ اولین مجموعه‌ی سیاست‌های کلی نظام آنها را ذیل قانون برتر کشور برشمرده و در اجرای این سیاست‌ها تخطی از قوانین را نپذیرفته است. سیاست‌های کلی چارچوب‌ها را برای وضع و اجرای قوانین توسط قوای حکومتی مشخص می‌کنند و در حدود مفادشان الزام آورند (اسماعیلی و طحان، ۱۳۸۷، ۱۱۱).

در این سیاست‌ها عوامل مختلفی که به توسعه در ابعاد مختلف مرتبط می‌شوند بررسی شده اند از جمله مباحث مربوط به آموزش و پرورش. برای مثال در بند ۱۰ سیاست‌ها آمده است:

«اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب‌های ناشی از مواد مخدر و روان گردان با بهره‌گیری از امکانات دولتی و غیردولتی با تأکید بر تقویت باورهای دینی مردم و اقدامات فرهنگی، هنری، ورزشی، آموزشی و تبلیغاتی در محیط خانواده، کار، آموزش و تربیت و مراکز فرهنگی و عمومی (خلفی، ۱۳۸۸، ۱۴). اگرچه در اینجا ضرورت آموزش جهت پیشگیری از تهدیدات مواد مخدر آمده است اما باید گفت که وظیفه‌ی آموزش و پرورش را منحصر در پیشگیری از این مصادیق مذکور نمی‌داند. شایان ذکر است که اعتیاد و مصرف مواد مخدر یا مواد روان گردان خود مقدمه‌ای هستند برای ارتکاب جرایم دیگر. پس اهمیت دادن به فعالیت‌های آموزشی برای پیشگیری از طیف وسیعی از جرایم می‌باشد. نهاد آموزش باید در کنار سایر نهادها از جمله خانواده و سایر مراکز فرهنگی، نسبت به اتخاذ راهکارهای مورد نظر در این زمینه اقدام نماید. مدرسه به عنوان یک محیط آموزشی است و ممکن است تهدیدات ذکر شده منتهی به بزه دیدگی دانش‌آموزان شود. پس لازم است در این زمینه آموزش و پرورش برنامه‌های مناسبی داشته باشد.

در ادامه این سیاست‌ها براساس بند ۸ ذیل امور فرهنگی، علمی و فن آوری مقابله با تهاجم فرهنگی ذکر شده است. تهاجم فرهنگی به معنای مورد مقابله قرار دادن ارزش‌ها، عقاید و

فرهنگ یک جامعه با شیوه‌های فرهنگی می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۷۳، ۸۶). فرهنگ گاه به معنای تعلیم و تربیت و آداب و رسوم به کار رفته است، چنانچه در فرهنگ فارسی معین این معنا به چشم می‌خورد.

بنابراین در تهاجم فرهنگی، آموزشی که در حال انتقال به دانش‌آموزان است مورد هدف قرار می‌گیرد. برای هم‌آوردی با پدیده‌ی تهاجم فرهنگی مدرسه یا نهاد آموزش به معنای عام می‌تواند نقشی اساسی ایفا کند. واکسینه کردن دانش‌آموزان از طریق تقویت فرهنگ بومی و دینی (ایرانی - اسلامی) از جمله‌ی این اقدامات است که مانع از این می‌شود که کودک در قبال تهاجم فرهنگی دستخوش عوارض منفی آن (از جمله قربانی جرایم جنسی) شود. مدرسه نقش موثری در انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و مهارت‌های خاص دارد و از این رهگذر در عرصه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی‌هایی که سوغات این مهمان نامیمون است بسیار تواناست. بزه دیدگی‌هایی که عمدتاً به صورت هدایت شده ناشی از این فرهنگ‌ها هستند را باید از طریق انتقال فرهنگی مناسب در رفتار دانش‌آموزان خنثی کرد. انتقال فرهنگی فرآیندی است که توسط آن فرهنگ از طریق آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

فرهنگ را به طریق زیستی نمی‌توان به ارث برد. هر نسلی فرهنگ خاص خود را می‌آموزد و سپس آن را همراه با تغییراتی که در عصر خود حاصل شده است، به نسل بعد از خود می‌آموزاند. انتقال فرهنگی، تداوم فرهنگ را امکان‌پذیر می‌سازد. در واقع تا زمانی که عوامل مربوط به تغییر و دگرگونی فرهنگ قوی نباشد، اعضای جامعه در برابر دگرگونی فرهنگ مقاومت و مخالفت می‌کنند. این شیوه زمانی دستخوش و تغییر می‌شود که تحت تاثیر عوامل فرهنگی نو و جدیدی (نوآوری فرهنگی) قرار گیرد و از طرف اکثریت جامعه مورد پذیرش قرار گیرد. مدرسه، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را به هریک از نسل‌های جدید انتقال می‌دهد (ستوده و بقایی، ۱۳۸۷، ۷۶) و بدین شکل آنان را از خطر بی‌هویتی و بی‌فرهنگ ماندن نجات می‌دهد. بدیهی است در صورتی که کودک یا نوجوان در این زمینه ارضای فرهنگی نشده باشد و یا فرهنگی که مورد آموزش است برای او توجیه نشده باشد، همواره این خطر وجود دارد که انتقال فرهنگی در شکل مثبت خود دچار چالش شده و اشکال منفی آن ظهور پیدا کند. ممکن است فرد تحت تاثیر بزهکاری قرار بگیرد. آموزش و پرورش از طریق این انتقال فرهنگی دانش‌آموز را جامعه‌پذیر می‌کند و از این بستر، شیوه‌های رفتاری، باورها، ارزش‌ها، و الگوهای فرهنگی خاص جامعه را به او یاد می‌دهد و از این طریق بخشی عمده از شخصیت فرد را شکل می‌دهد. پس می‌توان از سیاست‌های کلی نظام، نقش فرهنگ در تربیت دانش‌آموزان را استنباط کرد. بدیهی است این

فرهنگ سازی که امری تدریجی و حتی تخصصی است باید توسط متولی آن یعنی آموزش و پرورش و به احسن وجه انجام شود. فرهنگ اسلامی به احترام به متعلمان توجه زیادی دارد و همواره بر حمایت از آنان توصیه دارد. امری که ممکن است در سایر فرهنگ‌ها کم‌تر یافت شود.

## ۲-۲- مقررات تقنینی

هر چند در کشور نهادهای مختلفی در زمینه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی وظایفی دارند و در قوانین و مقررات آنها نیز اشاره شده است، اما ما برحسب وظیفه‌ی این پژوهش، به قوانین حوزه‌ی آموزش و پرورش می‌پردازیم. در مواردی به پیشگیری از بزه کاری نیز اشاره شده است چرا که بزه کاری و بزه دیدگی دو روی یک سکه هستند و علاوه بر رابطه‌ی دوسویه، کاملاً بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. پیشگیری در دراز مدت از وظایف آموزش و پرورش و سازمان‌های مرتبط با مسائل ارتباط جمعی می‌باشد. (زرگری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸)

شاید بتوان گفت اولین قانون موضوعه در مورد کیفیت ارائه‌ی آموزش و پرورش، قانون آموزش و پرورش عمومی و مجانی مصوب ۱۳۲۱ می‌باشد. این قانون مشتمل بر ۱۶ ماده می‌باشد و در مقدمه‌ی آن نیز آمده است که دولت موظف است مانند رییس خانواده واقعی، مردم را در سال‌های نخستین زندگی به یک میزان مورد توجه قرار داده و همه‌ی آنها را بدون تبعیض، از حداقلی از آموزش و پرورش بهره مند نماید. بعد از این قانون بدون اینکه صراحتاً یا ضمناً نسخ یا تخصیص یافته شود، قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۶ در قالب ۱۳ ماده به تصویب رسید. در فصل اول این قانون و ذیل اهداف اساسی آموزش و پرورش بندهایی ذکر شده است که همه دارای کارکرد پیشگیرانه هستند. تبیین ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان بر اساس آنها از جمله مواردی است که در فصل مذکور قید گردیده است. به همین تناسب در سایر بندها نیز می‌توان توجه قانونگذار در به فرامین اسلامی در باب تعلیم و تربیت را دید. نکته‌ی جالب آنکه در این قانون تربیت بر تعلیم ترجیح داده شده است و در انتخاب معلمان و تشکیل واحد تربیتی در حدود موازین اسلامی تاکید شده است. صدر ماده چنین مقرر می‌دارد که براساس تقدم رتبه‌ی تزکیه بر تعلیم، تربیت اسلامی در نظام آموزش و پرورش جایگاه ویژه‌ای دارد. به علاوه برخی صاحب نظران در عرصه‌ی تعلیم و تربیت معتقدند که آموزش وسیله است و پرورش هدف. وسیله باید در خدمت رسیدن به هدف باشد. در ابتدای انقلاب نیز عده‌ای مخالف این بودند که بعضی دروس پایه (مانند فیزیک و شیمی) بر اساس الگو و آموزه‌های غربی آن در مدارس ایران تدریس شود، چون آن را نمادی از علم و فرهنگ غرب می‌دانستند. اما بعدها

به دلیل رسیدن به تحلیل دقیق و منطقی این نگاه منزوی ماند و چنین بیان شد که صرف پرورش و ارائه‌ی دروس با محتوای دینی - مذهبی هرچند شرط لازم برای نظام آموزش و پرورش اسلامی است اما نباید دایره‌ی دروس را فقط به چند درس مذهبی محدود کرد. این دیدگاه کاملا درست است و حتی فراتر از آن باید گفت در صورتی که بر اساس مطالعات تطبیقی اگر بعضی مواد درسی مفید می‌باشند پس دلیلی ندارد که ما نظام آموزشی خود را از آن محروم کنیم. برای مثال یکی از ابزارهای پیشگیرانه برای مقابله با بزه دیدگی یاد دادن یک فن یا مهارت به دانش‌آموزان می‌باشد که این مهم در سایه‌ی مطالعات تطبیقی می‌تواند بسیار نظام آموزشی یک کشور را مساعدت بخشد. در قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش یک وظیفه دیگر که بر عهده‌ی وزارت آموزش و پرورش نهاد شده است تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش و متعاقب آن تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در سطح مناطق و شهرستان‌ها می‌باشد. این شورا می‌تواند با بررسی آسیب‌های تهدیدکننده نسبت به دانش‌آموزان، در جهت کاهش آن هنجارگذاری کند.

یکی دیگر از قوانینی که بحث درباره‌ی آن خالی از لطف نیست، قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی می‌باشد. این قانون فرصت‌ها و ظرفیت‌های بسیار زیادی برای آموزش و پرورش مهیا کرده است. مهم‌ترین وظیفه این شوراها طبق ماده ۱ تسهیل در فعالیت‌های اجرایی آموزش و پرورش می‌باشد. این شوراها به صورت ماهانه جلساتی را تشکیل می‌دهند و بر اساس دستورکارهایی که همگی مرتبط به تعلیم و تربیت می‌باشد مصوباتی را خواهند داشت. ویژگی بارز این شوراها دقیقا همان چیزی است که فرآیند پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان آن را می‌طلبد. در سطور پیشین طرح کردیم که بحث پیشگیری از بزه دیدگی نیازمند مداخله و همکاری دستگاه‌های گوناگونی می‌باشد. در این شوراها نیز بر اساس ماده ۳ قانون افراد متعددی از دستگاه‌های مختلف عضویت دارند که از این رو قابل توجه است. از جمله این اعضا امام جمعه، استاندار یا فرماندار یا بخشدار، شهردار، رییس مرکز بهداشت شهرستان و ... می‌باشند که هرکدام می‌توانند نقشی اساسی در زمینه‌ی مساعدت آموزش و پرورش برای پیشگیری از بزهکاری داشته باشند. از جمله مزایای تشکیل چنین شوراهایی در سطح مناطق و با رویکرد فراسازمانی برای پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- کاهش بروکراسی اداری

ب- استفاده از خردجمعی

- ج- ساده‌تر بودن اخذ تصمیمات و آسیب‌شناسی دقیق ضمن اجرای آنها
- د- مشاهده‌ی مستقیم و فوری نتایج اجرای مصوبات

هم چنین مهم‌ترین قانونی که در زمینه‌ی اجباری کردن تحصیل دانش‌آموزان دارای اهمیت است قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است. طبق این قانون آموزش و پرورش مکلف به اعلام موارد عدم ثبت نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه به سازمان بهزیستی کشور و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان می‌باشد. هم چنین هرکس برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰ از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کند، به انجام تکلیف یادشده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

### ۳-۳- مقررات فروتقیننی

در بخش مقررات فروتقیننی با توجه به عنوان پژوهش می‌توان مهم‌ترین و جدیدترین این نوع مقررات را سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دانست که سندی نسبتاً منسجم و مفصل است و در حال حاضر تمامی برنامه‌های آموزش و پرورش باید منطبق بر این سند باشد. بخشی از بزه دیدگی دانش‌آموزان ناشی از رفتارهای سوء متولیان مدرسه می‌باشد. وزارت آموزش و پرورش بر اساس سند تحول بنیادین موظف شده است که نیروی انسانی شایسته و متعهد را جذب کند. این بخش از مفاد سند تحول بنیادین اطلاق دارد و شامل تمامی نیروهای مشغول در آموزش و پرورش می‌باشد. پس در جذب نیروی انسانی نباید فقط به تعهد و شایستگی معلم اکتفا نمود. زیرا سایر عوامل از جمله نگرهبان و یا سرایدار مدرسه نیز به لحاظ حضور در فضای مدرسه باید دارای تعهد و شایستگی باشند و قطعاً فقط از رهگذر چنین تفسیری می‌توان به پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان پرداخت.

در ادامه‌ی مباحث مقررات فروتقیننی که به مداخله‌ی نهاد آموزش و پرورش در امر پیشگیری می‌پردازند باید گفت که با توجه به گستردگی و آیین نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها تحلیل و بررسی همه‌ی آنها کاری بس دشوار و غیرضرور خواهد بود. لذا در ادامه‌ی بررسی‌ها به چند نمونه از آنها که شاخص‌تر و مورد توجه هستند اشاره می‌کنیم.

- ۱- اهداف کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

اهداف کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه‌ی ۶۲۶ مورخ ۱۳۷۷/۷/۳۰ شورای عالی آموزش و پرورش می‌باشد. بر اساس مقدمه‌ی این اهداف، بیان شده است که کمال انسان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی رسیدن به تقرب الهی است. این هدف غایی به چندین هدف با عناوین اهداف اخلاقی، اهداف اعتقادی، اهداف علمی-آموزشی، اهداف فرهنگی-هنری، اهداف اجتماعی، اهداف زیستی، اهداف سیاسی و اهداف اقتصادی منقسم شده است. مبالغه نیست اگر بگوییم ذیل هر یک از این اهداف بندهایی آمده است که اگر دارای سازو کار مناسب اجرایی باشند و توسط متخصصان و به نحو احسن انجام شوند، می‌توانند سهمی بسزا در عرصه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی داشته باشند. بدیهی است صرف تصویب این اهداف بدون اینکه زمینه و بستر لازم برای اجرای آنها فراهم شده باشد چیزی جز آب در هاون کوبیدن نمی‌باشد. نکاتی که در درون این اهداف ذکر شده اند می‌توانند در عرصه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان بسیار موثر افتند. در بخش اهداف اخلاقی ۷ بند به شرح ذیل آمده است:

- ۱- تزکیه و تهذیب نفس و رشد فضایل و مکارم اخلاقی بر اساس ایمان خدا و تقوای اسلامی
- ۲- پرورش روحیه‌ی تعبد اسلامی و التزام عملی به احکام و آداب اسلامی
- ۳- پرورش روحیه‌ی اعتماد به نفس و استقلال شخصیت
- ۴- تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت نفس
- ۵- پرورش متعادل عواطف انسانی و همزیستی مسالمت آمیز
- ۶- پرورش روحیه نظم و انضباط
- ۷- پرورش روحیه مبارزه با بیکارگی، بطالت و مشاغل کاذب

هریک از این بندها در درون خود یک دنیا کار نهفته دارند، و ثمره‌ی تمهید مقدمات اجرای آن چیزی جز مصون کردن دانش‌آموزان از بزه دیدگی نیست. اگر دانش‌آموزی عزت نفس خویش را یافته باشد به راحتی در قبال آسیب‌هایی که او را تهدید می‌کند زانو نمی‌زند و یا حداقل می‌آموزد بعد از بزه دیده شدن چه اقداماتی را باید انجام دهد. در اهداف کلی آموزش و پرورش می‌توان موارد دیگری که دارای جلوه‌های پیشگیرانه باشند را یافت. برای مثال پرورش روحیه احترام به قانون و التزام به رعایت آن در بخش اهداف اجتماعی، شناخت، پرورش و هدایت استعدادهای افراد در جهت اعتلای فرد و جامعه در بخش اهداف علمی و آموزشی، تقویت روحیه

احتراز از رسوم منحط و خرافی در بخش اهداف فرهنگی و هنری و مهارت بخشی در زمینه‌ی کسب یک شغل در بخش اهداف اقتصادی همه دارای رویکردهای پیشگیرانه می‌باشند. دانش‌آموزی که قانون و احترام به قانون را یاد گرفته باشد، قطعاً در راه‌های غیرقانونی طی طریق نمی‌کند. در جامعه‌ای که متأسفانه نقض قوانین و مقررات به صورت یک امر معمول و رایج در آمده است این آموزش‌ها در مورد قوانین و مقررات و نهادینه کردن فرهنگ احترام به قانون می‌تواند منشا اتفاقات مثبتی از جمله مدیریت رفتار شهروندان باشد. ما در اینجا به این موضوع نمی‌پردازیم که تلاش برای رسیدن به این اهداف در آموزش و پرورش تا چه حد جدی می‌باشد، بلکه این موضوع مدنظر ما است که این برنامه‌ها و اهداف اگر به طور جدی دنبال شوند در کاهش آسیب‌های اجتماعی که به شدت دامن گیر جامعه شده است می‌تواند موفق باشد. تمامی هم و غم متولیان آموزش و پرورش باید این باشد که از ظرفیت‌های قوانین در جهت پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان نهایت بهره را ببرند.

اهداف کلی آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۹ به صورت جزئی‌تر، طی جلسه شماره ۶۴۷ شورای عالی آموزش و پرورش برای سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تفکیک شدند. نقطه‌ی عطف آیین نامه این است که اهداف کاربردی تر شده اند و از کلی گویی و صرف بیان اهداف پرهیز شده است. به تفکیک هر دوره، شاخص‌هایی تبیین شده است و انتظار می‌رود که این شاخص‌ها در پایان دوره جامه عمل به خود ببوشند. در هر سه مقدمه‌ای که به صورت جداگانه برای هر مقطع ابلاغ شده است، یک بند مشترک وجود دارد با این عنوان که همه‌ی مدیران، برنامه ریزان و کسانی که در زمینه‌ی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان نقش دارند مکلفند در برنامه ریزی امور، سازماندهی فعالیت‌ها و انجام وظایف مربوط به گونه‌ای اقدام کنند که تا پایان هر یک از دوره‌های تحصیلی مذکور دستیابی دانش‌آموزان به اهداف مذکور ممکن باشد. این تفکیک‌بندی اهداف بیش‌تر شاخص محور می‌باشند و صراحتاً و به طور جزئی در هر ردیف از اهداف، وظایف مشخص شده‌اند و وظایف هر یک از مدیران و برنامه‌ریزان در سطح وزارتخانه، استان و مناطق مشخص شده است. برای مثال بر اساس بند ۱۷ در ردیف اهداف اعتقادی آمده است که دانش‌آموز در پایان دوره ابتدایی باید به حضور در مسجد علاقه نشان دهد و آداب آن را بداند. قاعدتاً مذهب به عنوان یک عامل پیشگیرانه قوی می‌تواند عمل کند. (احمدی موسوی، ۱۳۹۳، ۲) دانش‌آموز از فعالیت‌های مسجد و آموزش‌های آن بهره مند می‌شود و در جهت ارتقای سطح معنویت خود گام بر می‌دارد. دختری که بر اساس اعتقادات مذهبی پوشش مناسبی را برای خود انتخاب می‌کند قطعاً مصون از برخی بزه دیدگی‌ها خواهد بود. امروزه بر اساس یافته‌های



علم جرم شناسی تقریباً علل و عوامل جرم را تا حد زیادی شناخته شده اند. توجه به بندهایی که در رابطه با اهداف هر یک از دوره‌های تحصیلی ذکر شده است ما را آگاه از این امر می‌کند که مفاد هریک از این بندها به نوعی به خنثی سازی یک یا چند عامل کمک می‌کند. هنگامی که دانش آموزی به سمت فعالیت‌های مختلف گام بردارد و یا آموزش‌های لازم را ببیند ظرفیت و توجه او در همین مسیر صرف می‌شود و خللی در رفتار دانش آموز باقی نمی‌ماند که بخواهد در مسیر بزه دیده شدن گام بردارد. زیرا در برخی از بزه دیدگی‌ها نوع رفتار دانش آموز موثر است پس لازم است آموزش‌های مورد نیاز در این زمینه ارائه شود.

## ۲- آیین نامه اجرایی مدارس

در رابطه با امر خطیر آموزش کی مولفه‌ای مهم در حوزه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی است، آیین‌نامه‌های زیادی به تصویب رسیده است، اما مهم‌ترین آنها آیین نامه اجرایی مدارس می‌باشد. آیین نامه اجرایی مدارس مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۹ می‌باشد.<sup>۱</sup> این آیین نامه فضایی را در مدارس ایجاد می‌کند تا از طریق آن اهداف کلی و جزئی آموزش و پرورش در آن جامه عمل بپوشند. در مقدمه این آیین نامه چنین آمده است که باید از طریق مدرسه محوری و تمرکز زدایی و تفویض اختیارات لازم به مدارس، زمینه‌ی مناسب تری برای تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت فراهم شود. بدیهی است مدرسه نهادی است که به طور مستقیم با دانش آموزان و والدین آنها سروکار دارد. اگر تجهیزات، امکانات، و اعتبارات و برنامه ریزی‌های سنجیده در سطوح بالای مدیریتی مهیا و اندیشیده شده باشد اما در مسیر پریپیچ و خم اداری به واحد اساسی و بنیادین مدرسه نرسد یا شرایط مطلوبی نداشته باشد باید به جرات گفت که تمامی برنامه‌ریزی‌های کلان کشور با مشکل مواجه خواهند شد. ابعادی چون فضای فیزیکی و تامین اعتبارات لازم، نیروی انسانی کارآ و کاردان و تنویر نقش هریک از آنها در این آیین نامه گنجانده شده است.

بر اساس ماده ۹ این آیین نامه مدیر مدرسه که تمامی اختیارات و رهبری‌ها با اوست باید بر اساس اصل شایسته سالاری منتصب شود. بدیهی است انتخاب یک مدیر بدون توجه به توانایی‌های او می‌تواند فرآیند آموزش و پرورش در مدرسه را دچار اختلال کند. همچنین وجود معلمین آگاه و موفق تاثیر بسیار زیادی در بهبود راندمان و کیفیت آموزش و پرورش دارد.

<sup>۱</sup> در سال ۱۴۰۰ آیین نامه ای به تصویب رسیده است که البته هنوز دائمی نیست.

پیشرفت در آموزش و پرورش عمدتاً به صلاحیت‌ها و توانایی‌های کارکنان آموزشی و به ویژگی‌های انسانی، تربیتی و حرفه‌ای تک تک معلمان بستگی دارد. مدیر و معلمان می‌توانند در رابطه با حل مشکلات دانش‌آموزان تا حد بسیار زیادی موثر باشند و ضمن شناسایی دانش‌آموزان که برخی شرایط فردی و خانوادگی آنان در معرض بزه دیدگی قرار می‌دهد نسبت به ارشاد و راهنمایی آنها اقدام کنند. بر اساس ماده ۱۰ این آیین نامه شورایی به نام شورای مدرسه متشکل از چند نفر همکاران شاغل در مدرسه تشکیل می‌گردد که وظایف بنیادی بر عهده دارد. برای مثال بر اساس بند ۱۴ بررسی مشکلات موردی دانش‌آموزانی که با مسائل خاص از نظر آموزشی و پرورشی مواجهند از جمله وظایف این شورا می‌باشد. قطعاً مدیر مدرسه و سایر کارکنان عضو شورا مانند معاون و امور تربیتی و مشاور مدرسه می‌توانند سهمی بسزا جهت رفع مشکل این گونه دانش‌آموزان داشته باشند. همچنین بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد دانش‌آموزانی که با مشکلات اخلاقی و رفتاری خاص مواجهند از جمله وظایف شورای مدرسه می‌باشد. اما باید توجه نمود که سپردن این وظایف به شورای مدرسه کاری بس ظریف و دشوار است. اعضای شورای مدرسه باید توانایی و توجه خاصی به مشکلات داشته باشند و در جهت اصلاح آن قدم بردارند. بدیهی است نابلد بودن و به بیراهه رفتن نه تنها مشکلی حل نمی‌کند بلکه بر مشکلات دانش‌آموز نیز می‌افزاید. کارکنان مدرسه باید علاوه بر آموزش‌های مختلف آکادمی، نسبت به افزایش اطلاعات خود قدم بردارند. معلم در اعطای توانایی به ابنای بشر، همان نقش طبیعت مهربان را ایفا می‌کند. توانمندسازی معلمان، کلید پرورش توانایی‌های نونهالان، کودکان و نوجوانان هر کشور و سرزمینی است.

بسیاری از بزه دیدگی‌های دانش‌آموزان ریشه در عدم آگاهی دانش‌آموزان یا معلمان دارد. وجود محبت بین تیم آموزشی مدرسه و دانش‌آموزان موجب می‌گردد دانش‌آموزان ضمن در میان گذاشتن مشکلات شان با این افراد راهنمایی‌های لازم را نیز دریافت کنند. دانش‌آموزی که برچسب در مخاطره بودن می‌خورد در اولین گام باید دلایل در معرض خطر بودن را یافت و سپس تصمیم مناسبی برای مداخله و پیشگیری از شکست آنها برداشت (تایلیستون، ۱۳۸۴، ۴۴). هر چند متأسفانه باید اذعان کنیم که امروزه در مدارس ما نیروی متخصص و مجرب کافی نیست، اما متولیان امر آموزش باید بدانند که مهیا کردن زیرساخت‌ها برای اجرای قوانین مختلف آموزشی نتایج بسیار مثبتی در عرصه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی خواهند داشت. شناسایی دانش‌آموزان تارک التحصیل، دانش‌آموزانی که در یک محیط خانوادگی متشنج زندگی می‌کنند یا والدین آنها در زندان می‌باشند و تدابیر حمایتی را در مورد آنها به کار بستن، از جمله قابلیت‌های یک مدرسه

است که البته باید بستر و لوازم آن مهیا شده باشد. یعنی مدرسه دارای ظرفیت هایی است که نه تنها از بزه دیده شدن دانش آموز در مدرسه جلوگیری می کند بلکه می تواند با ارائه ی آموزش های لازم آنان را در بزه دیدگی های خارج از مدرسه نیز تامین کند. دانش آموز مهارت های زیادی را می آموزد و این مهارت ها در طول زندگی می تواند برای او موثر واقع شود.

### ۳- اساسنامه برخی مدارس خاص

اساسنامه ی برخی مراکز آموزشی که بنا بر هدف خاصی تدوین شده اند نیز می توانند در این مقال قابل توجه باشند. از جمله اساسنامه ی انجمن های اولیاء مربیان، اساسنامه دوره های پیش دبستانی، مدارس ویژه دانش آموزان کار، مدارس ورزش و مدارس شبانه روزی. این اساسنامه ها به گونه ای تدوین شده اند که بعضی از اهداف آموزش و پرورش را تخصصی تر و برجسته تر تحقق می بخشند. برای مثال در اساسنامه مدارس شبانه روزی یکی از اهداف تاسیس چنین مدرسی تحت پوشش قراردادن دانش آموزان روستایی می باشد که برای آنان فرصت های تحصیلی وجود ندارد. همچنین پیشگیری از تبعات اخلاقی و اجتماعی ناشی از مهاجرت دانش آموزان روستایی به مراکز شهری از دیگر اهداف چنین مدرسی می باشد. دانش آموزی که به تازگی محیط شهر را تجربه می کند، قاعدتا باید در قبال آسیب هایی که او را تهدید می کند بیمه شود. یا در اساسنامه مدارس ورزش تقویت مهارت های ورزشی دانش آموزان ذکر گردیده است. مدارس ورزش می توانند فعالیت ها و انرژی مهار نشدنی و بحران بلوغ نوجوان را به صورت مدیریت شده به سمت فعالیت های ورزشی هدایت کنند زیرا گاهی همین انرژی خصوصیات دوران نوجوانی می تواند منتهی به بزه دیده شدن دانش آموز چه در داخل مدرسه و چه خارج از آن شود. تقویت روحیه ی ورزشکاری در نوجوان خود به معنای دور نگه داشتن دانش آموز از خطرات احتمالی می باشد. بدیهی است هر چه قدر این نوع مراکز آموزشی خاص اهداف خود را مطابق اساسنامه های مرتبط بهتر پیش گیرند دوران پر فراز و نشیب نوجوانی که بستر مخاطرات زیادی می تواند باشد با امنیت بیشتری سپری می شود. دانش آموزی که در مورد اوقات فراغت او برنامه های سازنده ای تهیه شده باشد، کمتر مجال می یابد که در مسائل دیگر از جمله مسائل مجرمانه خود را درگیر کند و به لحاظ جسمی یا روحی دچار آسیب گردد.

### نتیجه گیری

پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان امری خطیر است که به لحاظ تنوع جرایم سنتی و

نوظهور، مداخله‌ی جدی نهادهای مختلف را می‌طلبد. یکی از این نهادها، آموزش و پرورش می‌باشد که با اطفال و نوجوانان بیش‌ترین پیوند و پیوستگی را دارد. نقش آموزش و پرورش از چند حیث قابل توجه است: اول این که صرف حضور دانش‌آموز در مدرسه به عنوان یک محل امن می‌تواند در زمینه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموز موثر باشد و طفل یا نوجوان از وضعیت‌های مخاطره‌آمیزی هم چون تکدی‌گری و بهره‌کشی اقتصادی مصون بماند. دوم این که در مدرسه، دانش‌آموز مباحث و مهارت‌هایی فردی و اجتماعی را فرا می‌گیرد که می‌تواند در زمینه‌ی پیشگیری از بزه دیدگی او چه در دوران تحصیل و چه پس از آن موثر باشد. هم‌چنین آموزش و پرورش می‌تواند با بررسی محیط خانوادگی دانش‌آموزان آسیب‌پذیر تصمیمات حمایتی را نسبت به ایشان اتخاذ کند. به عبارتی ارتقای کمی و کیفی تعامل بین دانش‌آموز و آموزش و پرورش تاثیر مستقیم بر پیشگیری از بزه دیدگی او دارد.

اما آن چه مهم است این که یک شخص حقوقی، برخلاف شخص حقیقی، با اصل عدم صلاحیت یا حاکمیت قانون روبروست و برای برنامه‌های خود باید پشتوانه‌ی قانونی داشته باشد و این موضوع به لحاظ حساسیت وظایف، در مورد آموزش و پرورش باید به خوبی دیده شود. قوانین مصوب در حوزه‌ی وظایف و تکالیف آموزش و پرورش به گونه‌ای هستند که می‌توان از آنها به احسن وجه در جهت پیشگیری از بزه دیدگی بهره برد. مهم‌ترین گام برای شروع برنامه‌های پیشگیرانه، شناسایی قوانین مرتبط با آن است. متولیان امر تعلیم و تربیت باید بر اساس تجویز مقررات در سطح ملی یا فراملی برای تدابیر پیشگیرانه صالح شناخته شوند تا در زمینه‌ی اقدام برای پیشگیری از بزه دیدگی گرفتار تگنهای قانونی نشوند.

چنین به نظر می‌رسد که در مقررات مختلف ملی و فراملی، از بین اشخاص حقوقی مختلف، بیش‌ترین بها را به نهاد آموزش و پرورش داده‌اند. دلیل اهمیت نقش آموزش و پرورش این است که هر فرد حدود ۱۳ سال از عمر خود را در مدرسه می‌گذراند و این دوره‌ی نسبتاً طولانی می‌تواند به عنوان ظرفیتی بسیار مهم قابل توجه باشد. بنابراین آموزش و پرورش باید به عنوان یکی از نهادهای محوری در پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوان (یا دانش‌آموزان) شناخته شود و به درستی این موضوع در مقررات مختلف دیده شده و در این مقررات به سه خصیصه‌ی اجباری، رایگان و عمومی بودن آموزش توجه شده است. نهاد آموزش می‌تواند با شناسایی کودکان آسیب‌پذیر و شناخت خانواده‌ی آنان نقش پررنگی در حمایت از آنان داشته باشد. اسناد مختلف ملی و فراملی به آموزش و پرورش تکلیف کرده‌اند که در زمینه‌ی تربیت دانش‌آموز و آموزش مهارت‌های اجتماعی به او مداخله‌ی مستقیم و قطعی کند و کسانی را که در این زمینه

خلل ایجاد می‌کنند به مرجع قضایی معرفی کند. نهاد آموزش و پرورش به لحاظ داشتن اختیار تدوین محتوای آموزشی، نیروی انسانی متخصص، تعامل با سایر نهادهای فرهنگی، وجود مقررات حمایتی، ضمانت اجراهای اداری برای مربیان بی‌مبالات، گستره‌ی پوشش دانش‌آموزان و فضای فیزیکی مناسب باید در سیاست جنایی افتراقی پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان نقشی پویا و اساسی ایفا کند و به عبارتی سایر نهادها را در این زمینه راهبری کند. اعطای صلاحیت به آموزش و پرورش در قوانین ملی و فراملی برای انجام هرگونه اقدام منتهی به پیشگیری از بزه دیدگی دانش‌آموزان از مهم‌ترین ظرفیت‌های این نهاد است که باید به درستی قدر دانسته شود. پس لازم است ابتدا این نهاد جایگاه حقوقی خود را بشناسد و برای این امر مهم برنامه ریزی‌های موثر و مستمری برای جامه عمل پوشاندن و کاربردی کردن مفاد مقررات داشته باشد.

همان گونه که تبیین شد شرط اعمال تدابیر بعد از وجود صلاحیت و جواز قانونی برای اعمال تدابیر پیشگیرانه، حضور فرد در محیط مدرسه است که این موضوع مدنظر سیاست جنایی نیز بوده است. بدین معنا که به دلیل اهمیت نقش مدرسه در تربیت و پیشگیری از بزه دیدگی، کسانی که از تحصیل اطفال و نوجوانان و حضور او در مدرسه ممانعت نمایند بر اساس مفاد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، توسط مرجع قضایی کیفر خواهند شد. النهایه لازم است مجموع مقررات یادشده به عنوان یک قابلیت و ظرفیت عالی برای متولیان امر تعلیم و تربیت بازخوانی گردند و رویکردی نوین نسبت به این مقررات همراه با التزام به آن در بین کارکنان مدارس ایجاد شود..

## منابع

- ۱- احمدی موسوی سیدمهدی، ۱۳۹۲، تقریرات درس جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی رفسنجان، نیم سال اول
- ۲- احمدی موسوی سیدمهدی، ۱۳۹۲، جایگاه نهاد آموزش در پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، سال هشتم، شماره ۲۶
- ۳- احمدی نژاد مریم، ۱۳۹۱، منشور ملل متحد به مثابه‌ی قانون اساسی، مجله سیاست خارجی، شماره ۱۰۲
- ۴- اردلان فریدون، ۱۳۳۲، در راه حقوق بشر، مجله فرهنگ نو، شماره ۴

- ۵- اسلامی سیدحسن، ۱۳۸۲، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اسلامی؛ آرزو یا واقعیت، ضمیمه خردنامه همشهری، شماره ۱۱
- ۶- اسماعیلی محسن و طحان هادی، ۱۳۸۷، تحلیل ماهیت سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۸
- ۷- اکبرنژاد غلامرضا و میرزایی رضا، ۱۳۸۷، مجله مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، شماره ۲۴
- ۸- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، معرفت دینی، نشر اداره آموزش عقیدتی-سیاسی ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ پنجم
- ۹- تایلستون دونا واکر، ۱۳۸۹، دانش‌آموزان خاص، ترجمه‌ی علی اسماعیلی، نشر شلاک، چاپ دوم
- ۱۰- جمشیدی محمدحسین، ۱۳۷۳، تهاجم فرهنگی چیست، چاپ شده در مجله مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۴ و ۳
- ۱۱- حجتی اشرفی غلامرضا، ۱۳۸۱، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ ششم
- ۱۲- حسینی سیدمحمد، ۱۳۹۱، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، انتشارت سروش، تهران
- ۱۳- خلفی مسلم، ۱۳۸۸، مجموعه قوانین و مقررات پیشگیری از جرم، نشر نورالسجاد، قم، چاپ اول
- ۱۴- خلفی، مسلم، ۱۳۸۸، مجموعه قوانین و مقررات پیشگیری از جرم، نشر نورالسجاد، چاپ اول،
- ۱۵- رووف علی، ۱۳۷۹، جنبش جهانی برای تربیت معلم، پژوهشکده تعلیم و تربیت، چاپ اول
- ۱۶- زرگری سیدمهدی، ۱۳۸۷، پیشگیری از بزهکاری در منابع ملی و فراملی، مجله گواه، شماره ۱۲
- ۱۷- ستوده هدایت ا... و بقایی علی، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش/نشر ندای آریانا، چاپ اول
- ۱۸- صفایی سیدحسن، ۱۳۷۰، حقوق بشر در اسلام و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۱
- ۱۹- قانون آموزش و پرورش پرورش عمومی و مجانی مصوب ۱۳۲۱
- ۲۰- کاتوزیان امیرناصر، ۱۳۸۴، مقدمه علم حقوق، نشر سهامی انتشار، چاپ چهل و سوم

- ۲۱- مجموعه قوانین و مقررات وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱، دفتر حقوقی وزارت آموزش و پرورش، جلد سوم
- ۲۲- محمدی فرود حمید، ۱۳۷۶، نقش نماز و نیایش در تامین بهداشت روانی و پیشگیری از بزهکاری، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۴
- ۲۳- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۳۷۱، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱
- ۲۴- نجفی ابرنآبادی علی حسین، ۱۳۹۱، جزوه جامعه شناسی جنایی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- ۲۵- نوربها، رضا، ۱۳۹۷، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران
- ۲۶- نیازپور امیرحسن، تقریرات درس جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، نیم سال اول ۹۲-۹۳
- ۲۷- نیازپور امیرحسن، ۱۳۹۱، حق برخورداری از آموزش و پرورش، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، پیاپی ۲۲
- ۲۸- وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۲، مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، نشر مدرسه چاپ هشتم



## *Legal foundations of education intervention in preventing student victimization*

*Morteza Taghizadeh Zanooghi* \*  
*Seyyed Mehdi Ahmadi Mousavi* \*\*  
*Baqir Shamloo* \*\*\*  
*Mohammad Aminizadeh* \*\*\*\*

### **Abstract**

Children and adolescents spend a large part of their lives in schools, and in this sense, it is necessary for the educational institution to protect them from possible crimes when they are in school, in terms of having certain facilities and assignments. Educate them to take care of themselves against crimes outside the school. According to various national and international regulations, the educational institution is obliged to provide compulsory, free and public education, and a significant part of these educations can also be effective in the prevention of victimization. These trainings sometimes directly and sometimes indirectly lead to the prevention of victimization. Therefore, according to the importance of the role and impact of this institution and according to various regulations, the education and training institution should consider compulsory, public and free education with serious attention in the first step, and subsequently to teach the students trades and skills in this pay the ground.

### **Keywords**

*Prevention of victimization, education, national and transnational regulations*

\* PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. m.t.z.zanighi2020@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Department of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. (Corresponding Author): Mousavi.ahmadi@gmail.com

\*\*\* Associate Professor, Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. b\_shamloo@sbu.ac.ir

\*\*\*\* Assistant Professor, Department of Law, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.